

آیت الله محمدباقر صدر و انقلاب اسلامی ایران

مریم زارعی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران تحول اساسی در حرکت‌های اسلامی ضد نظام‌های دیکتاتوری ایجاد کرد. کشور عراق به سبب همسایگی و حضور فعال و قدرتمند شیعیان به سرعت تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفت که در این میان نقش آفرینی خاندان‌های برجسته شیعی همچون صدر و حکیم قابل توجه است. بر این اساس در این پژوهش به دنبال واکاوی ارتباط آیت الله محمدباقر صدر با امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران هستیم که در پی آن، این مناسبات چه تأثیری در فعالیت حزب الدعوة الاسلامیه و فضای سیاسی - اجتماعی عراق داشت. یافته‌های پژوهش که مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است، نشان می‌دهد که آیت الله صدر از زمان تبعید امام خمینی به عراق ارتباط خود را با ایشان برقرار ساخت و مکاتبات سیاسی میان آنها حاکی از مناسبات مستحکم دارد. در ادامه نیز الهام‌گیری آیت الله صدر از انقلاب اسلامی ایران و تلاش برای مبارزه با نظام بعث عراق هرچند در نهایت به درگیری جدی با حاکمیت و شهادت ایشان منجر شد؛ لیکن عدم مشروعیت حکومت صدام را نمایان ساخت و موجبات رویش حرکت‌های شیعی معارض با حکومت وقت را فراهم ساخت.

واژه‌های کلیدی: محمدباقر صدر، انقلاب اسلامی، امام خمینی، عراق، ایران.

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

maryam.zareei9964@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ نوع مقاله: پژوهشی

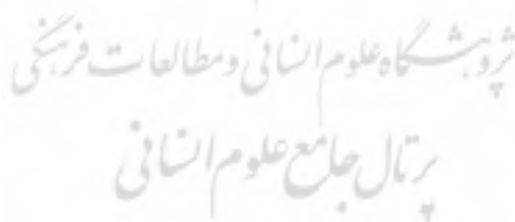
Ayatollah Mohammad Baqer Sadr and the Islamic Revolution of Iran

Maryam Zareei¹

Abstract

Iran's Islamic Revolution created a fundamental change in Islamic movements, against dictatorial regimes. The country of Iraq was quickly affected by the Islamic Revolution due to its neighborhood and the active and powerful presence of Shiites, among which the role of prominent Shiite families such as Sadr and Hakim is noteworthy. Based on this, in this research, we seek to analyze the relationship between Ayatollah Mohammad Baqer Sadr and Imam Khomeini and the Islamic Revolution of Iran, after which, what effect did these relationships have on the activities of Hizb al-Dawah al-Islamiya and the political-social atmosphere of Iraq. The findings of the research, which is based on library studies and with a descriptive-analytical approach, show that Ayatollah Sadr established his relationship with Imam Khomeini since his exile to Iraq, and the political correspondence between them indicates strong relations. In the following, Ayatollah Sadr's inspiration from the Islamic Revolution of Iran and his efforts to fight against the Baath regime in Iraq eventually led to a serious conflict with his sovereignty and martyrdom. But it exposed the illegitimacy of Saddam's government and caused the rise of Shiite movements against the government of that time.

Keywords: Mohammad Bagher Sadr, Islamic Revolution, Imam Khomeini, Iraq, Iran.



1. PhD student of Iranian Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. maryam.zareei9964@gmail.com

Received date: 1401/09/17 Accepted date: 1401/10/30 Article type: research

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در آخرین دهه‌های قرن بیستم، بار دیگر نقش مذهب را در دگرگونی‌های سیاسی برجسته کرد. پیام مهم و رهایی‌بخش این انقلاب به سرعت به گوش جهانیان رسید و بیشترین تأثیر را بر کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی گذاشت. این تأثیرپذیری هم در حوزه‌های نظری و هم در حوزه‌های عمل اجتماعی انجام گرفته به گونه‌ای که تبیین دیدگاه‌ها و عملکرد این جنبش‌ها بدون توجه به این تأثیرپذیری غیرممکن گردیده است.

پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل پیام مهم و رهایی‌بخش‌اش، الهام‌دهنده گروه‌ها و نهضت‌های آزادمند در سراسر جهان به خصوص عراق شد. سرزمین عراق دارای ویژگی‌هایی تعیین‌کننده است که موجب شد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی تأثیرات پرشتاب خود را بیش از سایر نقاط جهان اسلام بر این کشور نشان دهد و به گروه‌ها و شخصیت‌های مذهبی امید و توان برای مبارزه بخشید تا جایی که آنها بر آن شدند از امکانات جمهوری اسلامی برای مبارزه استفاده کنند. تأثیر عمیق انقلاب اسلامی در میان شیعیان عراق چنان قابل توجه بود که منجر به ایجاد سازمان‌های مخالف و انقلابی شیعه‌ای شد که تهدیدی جدی برای ثبات رژیم بعثی عراق محسوب می‌شد. این فرآیند، روحی تازه در کالبد ملت مسلمان عراق دمید و آن را به جنبش درآورد. در این راستا رهنمودها و رهبری‌های آیت‌الله سید محمدباقر صدر بسیار مؤثر واقع شد.

در ارتباط با مسئله پژوهش حاضر، پیشینه قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. ادیب و موسوی در کتاب حزب الدعوه اسلامی عراق (پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی) به پیشینه تاریخی حزب الدعوه اسلامی عراق و اندیشه سیاسی مرتبط با آن با اشاره به مبارزات و نقش این حزب در روند سیاسی حکومت عراق می‌پردازد. کتاب در تلاش است بخش اعظم مسائل حزب الدعوه را پوشش دهد. از این رو نگاهی همه‌جانبه‌نگر در بررسی نقش‌آفرینی‌های حزب در زمینه مبارزات سیاسی دارد. بخش‌هایی از این اثر به «حزب الدعوه و آیت‌الله صدر»، «رویاری با رژیم عراق» و «روابط حزب الدعوه اسلامی با جمهوری اسلامی ایران» پرداخته است که مرتبط با موضوع است. همچنین مقاله «نقش شیعیان و رهبران مذهبی عراق در تحولات سیاسی و اجتماعی در سده اخیر» اثر غلامی قمی نیز به نقش روحانیون مذهبی شیعی در دگرگونی‌های عراق از قیام ۱۹۱۴ م تا فعالیت آیت‌الله سیستانی در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی می‌پردازد. هر دو اثر به صورت خاص

و متمرکز به مناسبات آیت‌الله صدر و امام خمینی نپرداخته‌اند که پژوهش حاضر در پی رفع این خلاء پژوهشی است.

سیر روابط آیت‌الله صدر و امام خمینی

حمایت بی‌دریغ آیت‌الله حکیم از مردم مسلمان ایران پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و حمله نظامیان شاه به مدرسه فیضیه قم هنوز فراموش نشده بود (روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۱۱/۱). در پی آن نیز تبعید امام خمینی به عراق در ۱۳۴۴ ش و اقامت ایشان در نجف زمینه مناسبی برای ارتباط و آشنایی بین اسلام‌خواهان دو کشور بود. وجود شخصی چون محمدباقر صدر که هم یک متفکر برجسته بود و هم سازمان‌دهنده‌ای نسبتاً قوی، در آمیختگی سرنوشت نهضت اسلامی ایران و موج اسلام‌خواهی در عراق مؤثر بود (قادری، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

در دوران قبل از تبعید امام خمینی به نجف، امام خمینی از جمله شخصیت‌های موردعلاقه آیت‌الله صدر بود. در تأیید این مطلب می‌توان یادآور شد آیت‌الله صدر در مخالفت با حادثه مدرسه فیضیه در قم بلافاصله جلسات درس خود را در نجف تعطیل کرد (ابوزید العالمی، ۱۴۲۹ ق: ۴۳۶). وی همچنین در نامه‌ای که به یکی از علمای ایران نوشته از قیام امام خمینی و مردم ایران ضد آمریکا و مخالفت با کاپیتولاسیون حمایت کرده و از تبعید امام خمینی به ترکیه اظهار ناراحتی کرده است. تاریخ این نامه سال ۱۳۴۴ ش است. در زیر بخشی از نامه مزبور آورده شده است:

«و اما در مورد ایران، وضع همچنان است که بود و آقای خمینی از سوی مزدوران آمریکا در ایران به ترکیه تبعید شده است این بار آقای خمینی توانست دهان شاه را ببندد که همواره جنبش مخالف خود را در ایران به ارتجاع و عقب‌ماندگی متهم می‌کند. آیا هیچ انسانی در جهان می‌تواند جنگ و مبارزه با اعطای امتیازات جدید به آمریکایی‌ها را ارتجاع و عقب‌ماندگی بداند...» (قلی‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۷).

در روابط آیت‌الله صدر با امام خمینی یکی از نکات قابل توجه آن بود که پس از رحلت آیت‌الله حکیم از مرجعیت امام خمینی حمایت نکرد و آیت‌الله خوئی را به‌عنوان مرجع اعلم معرفی نمود؛ اما در اواخر حضور امام در نجف مواضع آیت‌الله صدر در برابر رژیم تندتر شد و با تغییر رویه به امام روی آورد (فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۶۶). به‌طوری‌که وقتی حزب بعث در صدد بود امام را از

عراق بیرون کند و منزل امام در محاصره شدید نیروهای امنیتی عراق بود و کسی جرأت رفت و آمد به منزل امام را نداشت، آیت‌الله صدر تنها مرجعی بود که با عنوان حمایت از امام خمینی و در لحظات حساس و خطرناک به دیدن امام رفت، به طوری که یکی از جرم‌هایی که بعد از بازداشت آیت‌الله صدر مورد تأکید حزب بعث بود همین دیدارها بوده است (مصاحبه با کاظم حائری: ۲۶).

آیت‌الله خاتم یزدی دوران عمر سیاسی آیت‌الله صدر را از جهت موافقت یا مخالفتش با امام خمینی به سه مرحله تقسیم کرده است:

مرحله اول: «مربوط می‌شود به زمان حیات مرحوم حکیم و حضور امام خمینی در نجف. در این مرحله، صدر با قرار گرفتن در کنار حکیم، که دیدگاه مثبتی نسبت به مواضع و مثنی سیاسی امام خمینی نداشت، عملاً در طیف مخالفین امام قرار داشت. در مرحله دوم که با رحلت مرحوم حکیم آغاز شد اگرچه صدر جبهه‌ای در باب مبارزه با حزب بعث عراق باز کرد، ولی اقدام دیگر وی یعنی تأیید و تقویت آیت‌الله خوئی و معرفی او به عنوان فقیه اعلم زمینه اقدام گسترده و یکپارچه علیه حکومت بغداد را از بین برد، چون مرحوم خوئی به رغم مرجعیت عامه و قدرت نفوذش تصمیمی بر معارضة و مقابله با سردمداران بعثی نداشت. البته شاید بتوان برای عدم موافقت حکیم با امام در زمان خودش و همچنین عدم رویارویی آنها با رژیم پهلوی توجیه صحیحی پیدا کرد و آن اینکه آنها نمی‌خواستند هم‌زمان خودشان را در دو جبهه درگیر کنند و هم‌زمان به مقابله و معارضة با رژیم شاه و رژیم بعثی عراق بپردازند. در مرحله سوم که با تغییر بینش و یا به تعبیری استبصار ایشان همراه بود، صدر به امام خمینی روی آورد و خود را رودرروی رژیم شاه قرار داد و انقلاب و حرکت مردم ایران را ستود» (خاتم یزدی، ۱۳۸۱: ۱۸۸-۱۸۷؛ فلاحی، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

موضع صدر در حزب الدعوه^۱ پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در دورانی که پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی در ایران نزدیک پیروی بود و می-رفت تا رژیم شاهنشاهی را سرنگون کند، سید محمدباقر صدر به‌عنوان مرجع و رهبر شیعیان عراقی ظهور کرد و به‌تدریج در محور فعالیت‌های مخالف رژیم بعث قرار گرفت (تاریخ سیاسی عراق، بی تا: ۲۸۱-۲۸۰). پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حاکمیت جو انقلابی و اسلامی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام و برانگیختن احساسات مذهبی مسلمین کشورهای اسلامی بالاخص عراق، صدر ضمن تعطیل حوزه‌های دینی خود و برپایی تظاهراتی در تأیید و حمایت از انقلاب اسلامی ایران سعی نمود با اعزام روحانیون به شهرها و مناطق مختلف احساسات برانگیخته مذهبی مردم را جهت بخشیده و مقدمات یک حرکت وسیع در راستای حاکمیت اسلام در عراق را پایه‌ریزی نماید.

محمدباقر صدر طی تماس‌های مکرر با اعضای درجه دوم و سوم حزب الدعوه که پس از سرکوبی و اعدام رهبران آن در عراق باقی مانده بودند موفق شد آنها را جمع کرده و با تعیین شرایطی از جمله اقدام به تحریکات نظامی علیه رژیم بعثی آنان را به فعالیت تحت نام حزب الدعوه اجازه داد (مراسان، ش. پرونده ۱۴۳۵۹: ۵). حزب بعث که از خطر تأثیر انقلاب ایران بر مردم عراق آگاه بود و می‌دانست حزب الدعوه می‌تواند عامل تشکیلاتی مهمی برای انتقال این تأثیر باشد هجوم گسترده‌ای را علیه این حزب آغاز و بسیاری از اعضای آن را دستگیر کرد (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۴۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیت‌الله صدر هم در عمل و هم در نظر به حمایت از انقلاب اسلامی برخاست و به دوستان و شاگردان خود نیز سفارش می‌کرد از انقلاب اسلامی و

۱. بعد از کودتای ۱۴ تموز ۱۹۵۸ در عراق، جمعی از روحانیون نجف اشرف به منظور تحکیم مبانی و ترویج تعالیم دین مبین اسلام و از بین بردن اختلافات موجود بین مذاهب مختلف و در افق فراتر تشکیل یک حکومت واحد جهانی مبادرت به تشکیل جمعیتی به نام حزب اسلامی (دعوه الاسلامی) نمودند. هم‌زمان با شروع فعالیت حزب اسلامی فعالیت جمعیت اخوان المسلمین در عراق نیز گسترش و از طرف جمعیت مزبور جمعیتی به نام الحزب الاسلامی تشکیل شد به همین لحاظ روحانیون یادشده نام جمعیت خود را به حزب دعوه الاسلامی تغییر دادند (مراسان، ش. بازبایی ۰۲۳/۹۵۸۰۰). حزب دعوه الاسلامی فعالیت خود را در سه مرحله ذیل منظم گردانیده و تا مدت‌ها از فعالیت مؤثر علیه رژیم بعثی اجتناب ورزد: ۱. انسان‌سازی و بسط فرهنگ اسلامی ۲. فعالیت سیاسی ۳. استعلاء حکومت و مبارزه نظامی (مراسان، ش. پرونده: ۱۴۳۶۰).

امام خمینی حمایت کنند. گواه بر این رویکرد، سلسله مقالاتی است که با عنوان الاسلام یقوده الحیاه (اسلام راهنمای زندگی) برای امام خمینی ارسال کرد که نظریه اسلامی در محور ساخت امت، نقش پیشتازی مقامات مذهبی (مراجع) توزیع اختیارات اجرایی و قضایی و طرح نظریه اقتصاد اسلامی را دربر می‌گرفت (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۳۳). در این رابطه می‌توان گفت صدر اگرچه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ارتباط محکمی با نهضت امام خمینی نداشت اما اولاً در نوسازی فکری شیعه سهیم بود ثانیاً مهم‌تر آنکه هم‌زمان با طلوع پیروزی انقلاب ایران باور عمیقی نسبت به امام و انقلاب پیدا کرد، آن‌چنان‌که به همه‌چیز پشت پا زده و در برابر صدام ایستاد و جانفش را برای دفاع از ایران و انقلاب گذاشت (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

در چنین شرایطی آیت‌الله سید محمدباقر صدر فتوا داد که عضویت در حزب بعث و وابستگی به آن جایز نیست. آنچه در این فتوا بیش هر چیزی جالب توجه بود تصریح به اسم حزب بعث بود، بنابراین آیت‌الله صدر اولین مرجعی بود که با صراحت حزب بعث را تحریم کرد و ضربه مهلک و شکننده‌ای بر حزب وارد آورد به طوری که یکی از مسئولین حزب بعث درباره فتوای آیت‌الله صدر گفت: «فتوای سید محمدباقر صدر، همه نقشه‌های ما را نقش بر آب کرد و هیچ‌کس جز عده‌ای ترسو و بزدل از پذیرفتن عضویت حزب و همکاری با آن در زمینه طرح بعثی کردن نظام آموزش و پرورش استقبال نکرد و پیاده کردن این طرح با شکست مواجه شد» (قلی‌زاده، ۱۳۷۳: ۵۹).

پس از آن اعلامیه‌ای را در مشروعیت و مردمی بودن قیام امام خمینی صادر کرد و شیعیان را به اطاعت و حمایت از امام خمینی و اسلام فراخواند وی در این زمینه همواره به پیروانش توصیه می‌کرد:

«ذوبوا فی الخمینی کما هو ذاب فی الاسلام» در خمینی ذوب شوید همان‌گونه که او در اسلام ذوب شده است» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۹).

پس از این فتوا کسانی برای ایجاد تفرقه زمره‌های خونریزی در ایران را مطرح کردند و امام را متهم ساختند که وی سبب شده تا شاه خون مردم را بریزد. آیت‌الله صدر در پاسخ به این افراد فتوای دیگری صادر کرد:

«کسانی که در ایران برای دفاع از اسلام و مسلمانان قیام کردند و کشته می‌شوند شهید می‌باشند و خداوند آنان را با امام حسین محشور می‌گرداند» (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۲؛ مزینانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

به دنبال آن، رژیم بعث بلافاصله جلسه شورای امنیت را به‌عنوان پیشگیری از خطر خمینی عراق تشکیل داده و راه‌های رویارویی و از میان بردن آیت‌الله صدر را بررسی کرد (قلی‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۱). به دنبال شکسته شدن مرزهای ترس و وحشت در ۱۳ رجب ۱۳۹۹ برابر با ۱۰ ژوئن ۱۹۷۹ شیعیان به مناسبت جشن میلاد حضرت علی (ع) با برگزاری مراسم جشن و راهپیمایی، ملت مسلمان عراق را به قیام علیه نظام بعثی فراخواندند. در نجف اشرف در دومین روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران مردم به خیابان‌ها ریختند و با دادن شعارهایی نظیر «به نام خمینی و صدر، اسلام پیروز است» (ابوالحسن شیرازی و طارمی، ۱۳۸۴: ۷۳؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۸۴: ۲۵۷/۶). به حمایت از انقلاب اسلامی ایران علیه رژیم بعثی به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات بعدها به نام انتفاضه رجب خوانده شد (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۴۹).

در پی تظاهرات شیعیان و آشکار شدن خواسته آنان مبنی بر انجام اصلاحات اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی، دولت عراق با توجه به تشویق علنی مبارزه علیه حزب بعث از سوی آیت‌الله صدر، حزب‌الدعوه را همچون ستون پنجم معرفی و هدف اعضای آنان را ادغام ایران و عراق اعلام کرد (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۲۳۱). به دنبال آن و در پاسخ به تظاهرات و مبارزات شیعیان، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به ریاست وزیر کشور سعدون شاکر و رئیس امنیت عمومی، فاضل البراک، تعداد زیادی از مبارزین و روحانیون شیعه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند (الخرسان، ۱۴۱۹ ق: ۲۷۵).

در این زمان دولت عراق تصمیم به دستگیری آیت‌الله صدر گرفت، چرا که وی از حمایت‌های خود نسبت به امام خمینی دست برداشت و همواره از امام خمینی به‌عنوان چراغ خانه اسلام و عنوان هادی مذهب یگانه پرستی یاد می‌کرد (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۰۵). به دنبال حمایت‌های بی‌دریغ صدر از امام خمینی، تضيیقات و فشار از سوی حزب بعث بر وی بیش‌ازپیش شد لذا آیت‌الله صدر تصمیم گرفت کشور را ترک کند (روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۱۹، ص ۱؛ روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۶۵، ص ۲). به دنبال انتشار خبر تصمیم آیت‌الله صدر مبنی بر ترک عراق، بلافاصله امام خمینی تلگرامی به آیت‌الله صدر مبنی بر ادامه حضور در عراق و تلاش برای بقا و حفاظت از حوزه علمیه نجف اشرف ارسال کرد. در این تلگرام آمده بود:

«حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای صدر- دامت برکاته- نجف اشرف

از قرار مسموع جناب‌عالی به‌واسطه بعضی از پیشامدها خیال هجرت از عراق را دارید. اینجانب از این نگران هستم و هجرت جناب‌عالی را از نجف اشرف مرکز علوم اسلامی به صلاح نمی‌دانم، امید است ان‌شاءالله رفع نگرانی جناب‌عالی شود» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۴/۷).

آیت‌الله صدر نیز در پاسخ به تلگرام امام خمینی تلگرام زیر را به قم مخابره کرد:

قم- محضر شریف حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی دام‌ظله:

«پیام والای آن سرور گرامی روحی تازه در کالبد ملت مسلمان عراق دمیده، این پیام بازگوکننده عنایات پدرانه و توجهات عطفانه آن رهبر عزیز به این ملت مسلمان و به حوزه علمیه نجف اشرف بود. حوزه‌ای که به مدت مدیدی افتخار خدمتگزاری آن حضرت را داشته و پیروزی‌های درخشان و چشم‌گیری را با دل‌وجان دنبال نمود. اینجانب از توجهات حکیمانه آن جناب نیرو گرفته احساس می‌کنم مسئولیت خطیر نگهبانی از این دستگاه علمی و اسلامی و حمایت از رسالت سنگینش را بر دوش دارم. بدین مناسبت درود میلیون‌ها مسلمان عراقی که در پرتو این انقلاب بار دیگر نور هدایت اسلام را یافته و جان تازه‌ای گرفته‌اند تقدیم می‌نمایم. این مردم آماده‌اند دوشادوش برادران مسلمان ایرانی خود برای دفاع از جمهوری اسلامی و مبارزه با هرگونه نفاق‌افکنی و تحریکات استعماری شرق و غرب و به‌ویژه آزاد کردن سرزمین‌های اشغالی فلسطین جان‌فشانی نمایند. در پایان دوام عمر شریف آن رهبر بزرگ را از خداوند متعال خواستارم» (روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۰، ۳).

تلگرام امام به آیت‌الله صدر مبنی بر عدم ترک عراق، پرده از ارتباط حقیقی صدر و امام خمینی برداشت. این تلگرام که از صدای بخش عربی رادیو تهران در عراق شنیده شد، باعث شد که مردم عراق به دو مسئله که در تلگرام مزبور آمده بود توجه خاصی نشان دهند: ۱- اگر آیت‌الله صدر عراق را ترک کند خلاء بزرگی در نجف و عراق به وجود خواهد آمد. ۲- فشار و تنگنایی از جانب حکومت عراق علیه آیت‌الله صدر اعمال می‌شود. این دو نکته موجب شد که از تمام شهرستان‌های عراق نمایندگان از جانب مردم به نجف بریزند و صدر را از ترک عراق منصرف کنند. شعار هیئت‌های نماینده این بود «بالاسم الخمینی و الصدر الاسلام دوما منتصر و عاش، عاش الصدر و الدین دوما منتصر»: «به اسم خمینی و صدر، اسلام پیوسته پیروز است، صدر ماندگار و اسلام نیز همیشگی است» (یوسفی اشکوری، ۱۳۸۴: ۶/ ۴۹۷-۴۹۶).

آیت‌الله صدر در برابر درخواست مردم عراق و نمایندگان آنها علاوه بر تشکر و قدردانی وعده داد تا آخرین لحظات در کنار آنها بماند و در پیامی که خطاب به مردم عراق ارسال داشت بر این نکته تأکید کرد:

«ای مردم عراق، من در کنار شما خواهم ماند و به خاطر شما از بذل خونم در راه خدا دریغ نخواهم کرد» (یوسفی اشکوری، ۱۳۸۴: ۴۹۷/۶-۴۹۶).

به دنبال این حوادث و روشن شدن موضع‌گیری آیت‌الله صدر در قبال حزب بعث، رژیم حاکم تصمیم به دستگیری آیت‌الله صدر گرفت. خبر دستگیری آیت‌الله صدر در عراق، بازتاب گسترده‌ای در محافل و رسانه‌های گروهی ایران داشت، روزنامه کیهان در ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ در صفحه اول با تیتر درشت نوشت: «رهبر شیعیان عراق دستگیر شد» (روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۰، ص ۲). این روزنامه به نقل از خبرگزاری پارس افزود: «بنابر اخبار رسیده از منابع موثق، در پی تأیید آیت‌الله صدر از جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی حکومت بعث تضيیقات و فشارهایی بر ایشان وارد کرد» (روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۰، ص ۲).

پس از دستگیری آیت‌الله صدر بلافاصله از سوی روحانیون ایران سیل تلگراف‌هایی به عراق مخابره شد که در آنها خواسته خود را مبنی بر آزادسازی آیت‌الله صدر را مطرح کرده بودند. آیت‌الله سید عبدالله شیرازی که از نجف به ایران مهاجرت کرده بود از مشهد تلگرامی برای آیت‌الله خوئی در نجف اشرف مخابره کرد که در آن آمده بود:

«اخبار واصله در این روزها مبنی بر اقدام هیئت حاکمه عراق نسبت به تضييق و فشار مجدد بر مسلمانان آنجا و حوزه علمیه نجف اشرف بالخصوص خبر امروز دایر بر دستگیری آیت‌الله صدر، موجب تأثر و تألم شدید گردید، اینجانب این‌گونه رفتار وحشیانه و اعمال غاصبانه‌ای که به دست عمال خائن استعمار در عراق صورت می‌گیرد شدیداً محکوم می‌نمایم و به اولیای امور عراق شدیداً اخطار می‌دهیم که دست از این‌گونه اعمال خلاف شرع و قانون برداشته و ملت را در تشخیص مسیر و اتخاذ تصمیمات خود آزاد بگذارد... در قسمت دیگری از این تلگراف آمده است: ملاً سرنوشت حکام عراق همانند سرنوشت طاغیان و نوکران بیگانگان در ایران خواهد بود و ما اقدام ملت غیور عراق را در مقابله علیه ظلم و استبداد و دفاع آنها از جمهوری اسلامی ایران را تقدیر می‌نماییم و از هرگونه حمایت از ملت مبارز عراق خودداری نخواهیم نمود»

(روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۸، ص ۲؛ کیهان، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۱، ص ۳).

سید محمد شیرازی نیز که روزنامه کیهان از وی با عنوان «مرجع تبعیدی شیعیان عراق» نام برد با صدور اعلامیه‌ای در شهر قم ضمن محکوم کردن عمل دستگیری آیت‌الله سید محمدباقر صدر در عراق از ملت عراق و دیگر مسلمانان کشورهای اسلامی دعوت کرد که با قیام علیه رژیم بعث عراق حکومت این کشور را ساقط کنند، در جای دیگر از این اعلامیه آمده است: «از بین بردن حرمت رهبران مذهبی در زمانی که ملت نیاز شدیدی به رهبریت دارد اقدامی است خطرناک، و بر ملت مسلمان عراق و تمام امت اسلامی است که به این مسئله اهمیت داده شود و هرچه زودتر جهت نجات آیت‌الله صدر اقدام کنند و مبارزه را تا برقراری حکومت الله ادامه دهند» (روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۸، ص ۲؛ کیهان، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۱، ص ۳).

در این زمان گروهی از علما و طلاب ایرانی و لبنانی و عراقی و سایر کشورهای اسلامی مقیم حوزه علمیه قم در منزل آیت‌الله گلپایگانی اجتماع کردند. در این اجتماع سخنرانان به فجایعی که به دست عمال بعثی عراق انجام شده اعتراض و به‌ویژه سلب آزادی از آیت‌الله صدر محکوم شد. بر اساس این گزارش، آیت‌الله گلپایگانی ضمن تقدیر از مجاهدات و خدمات علمی و ارزنده آیت‌الله صدر از واقعه دستگیری او شدیداً اظهار تأسف کرده و آن را تحرک‌بخش و قیام‌آفرین شمرد (روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۸، ص ۲؛ کیهان، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۱، ص ۳).

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید علی تقی طبسی حائری نیز به مناسبت توضیحات وارده بر آیت‌الله صدر و شیعیان عراق تلگرامی به آیت‌الله خوئی به نجف اشرف مخابره کرد که متن این تلگرام چنین بود:

«اخبار واصله از عراق نشان‌دهنده این واقعیت است که دولت بعث عراق یک‌بار دیگر دست به اقدامات شدید علیه شیعیان، خاصه جامعه روحانیت زده و تضحیاتی را برای ایران به وجود آورده است... ملت مسلمان ستم‌دیده عراق باید بداند که آنچه را که مردم ایران بدان رسیده‌اند، یعنی سرنگونی نظام منحط شاهنشاهی و رسیدن به جمهوری اسلامی همه‌اش بر اثر مبارزات بی‌امانشان

علیه ظلم و ستم و زورگویی بوده و اینکه رهبری روحانیت را در تمام مبارزات از جان و دل پذیرفتند» (روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۲، ص ۸) در پی حادثه دستگیری آیت‌الله صدر، بازارهای اکثر شهرهای عراق به حال تعطیل درآمد و در نجف اشرف، کربلا، بصره، شطره، شامیه و دیگر نقاط عراق تظاهرات خشونت‌آمیزی به وقوع پیوست که صدها هزار نفر مسلمان عراقی در آنها شرکت داشتند.

پلیس عراق در این تظاهرات به سوی مردم تیراندازی کرد و تعداد زیادی از مردم، کشته و زخمی شدند و پلیس با همکاری نیروهای انتظامی، ارتش و مأموران سازمان امنیت نقاط حساس شهرها را تحت کنترل گرفت درهای صحن حرم نجف اشرف و کربلا را بست. از سوی دیگر طلاب و فضایی حوزه علمیه نجف اشرف به‌عنوان اعتراض به دستگیری آیت‌الله صدر کشتار مسلمانان بی‌گناه عراق و حمله عراق به روستاهای مرزی ایران دست به تحصن در مسجد الحضرای نجف زدند و در محله فقیرنشین الثوره بغداد نیز تظاهراتی برپا شد. این تظاهرات در پی بازداشت شیخ عقیف نابلسی امام جماعت محله فوق انجام شد که در آن عده‌ای کشته و زخمی شدند.

در کوفه نیز زنان مسلمان این شهر پس از تجمع در مسجد کوفه دست به تظاهرات زدند که با دخالت پلیس متفرق شدند و پس از این تظاهرات در کوفه و نجف مقررات منع رفت‌وآمد اجرا گردید. در شهرهای نجف اشرف، کوفه و بغداد نیز مردم مسلمان به‌عنوان اعتراض به دستگیری آیت‌الله صدر به راهپیمایی پرداختند و شعارهایی به طرفداری از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی و تأیید آیت‌الله صدر سردادند. عمال دولت بعث برای سرکوبی تظاهرات و تیراندازی هوایی و ضرب‌وجرح تظاهرکنندگان اقدام کردند که درگیری شدیدی بین دو طرف به وجود آمد به مجروح شدن گروهی از مردم منجر شد. در همین زمان روزنامه کیهان اعلامیه‌ای از طرف حرکت انقلاب اسلامی عراق به چاپ رسانید که در آن آمده بود: «مدتهاست که حکومت بعث عراق، که مستقیماً از امپریالیسم شرق و غرب دستور می‌گیرد برادران مسلمان را تحت فشار و اختناق قرار داده است» (روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۳۱، ص ۳).

تحت فشار نیروهای مخالف صبح روز بعد ساعت ۱۰ صبح آیت‌الله صدر از بازداشتگاه به منزل خود در نجف اشرف بازگردانده شد. پخش این خبر نزد مردم عراق به سرعت اجتماع بزرگی در جلوی منزل صدر به وجود آورد که ابراز احساسات می‌کردند. آیت‌الله صدر در یک سخنرانی

که در آن دولت عراق را استیضاح کرد از مردم خواست که به آرامی متفرق شوند (روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۷۸، ص ۱؛ روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۳۲، ص ۸).

پس از اینکه آیت‌الله صدر از بازداشت مأمورین عراق آزاد شد، امام خمینی طی تلگرافی مراتب تأسف خود را از حوادث اخیر عراق اعلام نمود:

حضرت آیت‌الله حاج سید محمدباقر صدر - دامت برکاته - نجف اشرف

«پیشامدهای اخیر یکی پس از دیگری موجب تأسف است انتظار آن نبود که به جناب‌عالی شخصیت علمی و اسلامی چنین رفتار شود چنانچه انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات رفتار نمایند که مخالف حُسن هم‌جواری است. ملت ایران که با نهضت اسلامی خود امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آنها برگرداند، همچنین انتظار دارد که به همان نحو که ملت‌ها با نهضت عظیم ایران موافق و پشتیبان آن هستند دولت‌ها نیز پشتیبان آن باشند. حوزه علمیه نجف اشرف که در خدمت اسلام و مسلمین است در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخص‌ترین بزرگان آن مورد تهاجم واقع شود. من به دولت عراق نصیحت می‌کنم که این دژ محکم را که حافظ کیان و مصالح کشور است حفظ کند. این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم از خداوند تعالی عظمت و استقلال کشورهای اسلامی را خواهانم» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۰/۷).

با وجود این، آیت‌الله صدر پس از آزادی از زندان مجدداً تحت محاصره مأمورین امنیتی عراق قرار گرفت، حتی تمامی افرادی که با وی مراوده داشتند تحت تعقیب قرار می‌گرفتند و در این راستا طلاب و روحانیون ایران نیز تحت فشار حزب بعث قرار داشتند (روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۸۳، ص ۴).

در این زمان بود که جمعیت حرکت انقلاب اسلامی عراق اعلام کرد که طبق اخبار واصله از عراق، آیت‌الله رضوانی نماینده امام خمینی در نجف اشرف به وسیله مأموران دولت بعثی عراق دستگیر شده و همچنین آیت‌الله خاتم یزدی از نزدیکان امام خمینی متواری گردیده است. در نجف حکومت نظامی برقرار شد. محاصره منزل آیت‌الله صدر همچنان ادامه داشت و حتی به پزشکان اجازه داده نشد که برای معالجه او بروند. طبق اخبار واصله از عراق در این زمان

تظاهراتی تقریباً سراسر عراق را فراگرفت و مأمورین مسلح عراقی در نقاط مختلف با تظاهرکنندگان درگیری پیدا کردند که در نتیجه تعدادی کشته و گروهی زخمی و دستگیر شدند به موجب این اخبار در سماوه دو نفر به هنگام خروج از مسجد درحالی که شعارهای ضد دولتی می دادند مورد اصابت گلوله مأمورین قرار گرفته و کشته شدند. به دنبال آن سه زن به اتهام شرکت در قتل یکی از اعضای سازمان امنیت عراق «الامن العام» که در منطقه الشوره انجام گرفت دستگیر شدند. خبرهای دیگر رسیده از عراق در آن زمان حاکی از پاره‌ای ناآرامی‌ها در پادگان‌های بصره و معسکر الرشید در بغداد بود (روزنامه کیهان، پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۱۰۷۳۸، ص ۲).

آیت‌الله صدر رهبر شیعیان عراق، در یک ارتباط تلفنی، با خبرنگار روزنامه اطلاعات عنوان کرد: «از دولت بعث عراق در شرایط فعلی هیچ چیز بعید نیست. انقلاب اسلامی ایران دولت بعثی را به شدت بیمار کرده است، یک بیمار رو به احتضار...». وی افزود: «برادران، خواهران و فرزندان مسلمان من در ایران نباید در اجرای دستورات رهبر انقلاب اسلامی خود درنگ کنند» (روزنامه اطلاعات، شنبه ۲ تیر ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۸۶، ص ۲).

در قسمت دیگری از این خبر تلفنی، اطلاعی کسب شد مبنی بر اینکه صدام حسین در پیامی غیرمستقیم که توسط مأموران امنیتی عراق به منزل آیت‌الله صدر ارسال داشت گفته است: «نمی‌گذارم تجربه ایران در عراق تکرار شود و آیت‌الله صدر تبدیل به امام صدر شود» (روزنامه اطلاعات، شنبه ۲ تیر ۱۳۵۸، شماره ۱۵۸۸۶، ص ۲).

به دنبال تضيیقات و فشارهای حزب بعث بر آیت‌الله صدر وی به مدت نه ماه در منزلش تحت نظر و محاصره مأموران قرار داشت. در این مدت رژیم بعث به ریاست صدام حسین کوشید تا از راه‌های مختلف آیت‌الله صدر را از پشتیبانی امام خمینی و انقلاب ایران و نیز از رهبری مردم عراق در مخالفت با حکومت وقت منصرف کند اما هیچ کدام از این اقدامات نتیجه‌ای نداشت و آیت‌الله صدر همچنان بر مواضع و دیدگاه‌های مبارزه طلبانه‌اش اصرار می‌ورزید (کریمی زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۰۱/۱۰).

اعدام آیت‌الله صدر و خواهرش

در فروردین ۱۳۵۹ نود و شش نفر از اعضای حزب‌الدعوه دستگیر و اعدام شدند (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۰). در ۱۲ فروردین همان سال به موجب ماده ۱۵۶ قانون محکومیت‌ها، حکم اعدام کلیه افرادی که به حزب‌الدعوه تعلق داشتند و کلیه افرادی که به حزب کمک می‌کردند و در ترویج افکار و ایدئولوژی آن نقش داشتند صادر شد (تراب زمزمی، ۱۳۶۸: ۵۸).

گام بعدی حزب بعث، دستگیری آیت‌الله صدر در فروردین ۱۳۵۹ بود. حزب بعث در آغاز قصد داشت از آیت‌الله صدر یک مرجع اسلامی و عربی بسازد تا در مقابل امام خمینی قرار بگیرد و از موج تأثیرات انقلاب ایران بر مردم عراق بکاهد از این رو به آیت‌الله صدر گفت در صورتی که شروط تعیین شده آنها را بپذیرد آزاد خواهد شد (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۴۹). این شروط به قرار زیر بود:

- ۱- «از تأیید انقلاب اسلامی ایران دست بردارد.
- ۲- با صدور بیانیه‌ای از موضع‌گیری‌های حزب بعث حمایت کرده و حزب بعث نیز در مقابل از او حمایت خواهد کرد.
- ۳- گرایش و عضویت در حزب‌الدعوه اسلامی را ضمن فتوایی تحریم کند.
- ۴- فتوای تحریم ورود به حزب بعث را پس بگیرد و بر جواز آن فتوا دهد.
- ۵- خبرنگاران جراید و نشریات خارجی و داخلی را به حضور بپذیرد و در مقابل سؤالات فقهی آنان پاسخ فقهی بدهد» (قلی‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۳۴).

اما آیت‌الله صدر هیچ‌کدام از شروط تعیین‌شده‌ی حزب بعث را نپذیرفت. پس از این موضع‌گیری بود که برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام که در آن زمان ریاست سازمان امنیت کشور را برعهده داشت، دستور داد تا او را تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دهند (میلر، ۱۳۷۰: ۱۴۷). و پس از چندی آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی را در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ (۸ آوریل ۱۹۸۰) به قتل رسانیدند. چرا که می‌دانستند آیت‌الله صدر به‌زودی هسته مرکزی نهضت اسلامی در عراق را تشکیل خواهد داد (روزنامه جمهوری، شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۸، س ۱۰، ش ۲۸۵۸، ص ۷).

در مورد علت اعدام آیت‌الله صدر دو سال بعد صدام حسین طی نطقی که در ۱۱ آوریل ۱۹۸۲ (۲۳ فروردین ۱۳۶۱) ایراد نمود اظهار داشت:

«آیت‌الله خمینی به‌طور آشکارا تلگرافی برای صدر فرستاد. تلگرافی که از طریق وزارت مخابرات واصل شد و به او می‌گفت که از فکر خود برای ترک کردن عراق دست بکشد و در آنجا بماند و انقلاب را علیه رژیم حکومتی عراق رهبری نماید» (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۹۷).

به دنبال کشته شدن آیت‌الله صدر، امام خمینی در ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ پیام شدیدالحنی علیه رژیم بعث و رهبران آن صادر کرد و از روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ مدت سه روز عزای عمومی و روز پنج‌شنبه ۱۴ اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام کرد (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲/۵۷-۵۶).

امام خمینی همواره از سید محمدباقر صدر به‌عنوان مغز متفکر اسلامی یاد می‌کرد. به بخشی از بیانات امام در جمع گروهی از برادران و خواهران معاود عراقی در آستانه سالگرد شهادت سید - محمدباقر صدر توجه کنید:

«مرحوم آیت‌الله صدر را به جرم اینکه از ظلم آنها شکایت داشت و می‌خواست حکومت اسلام برقرار باشد شهید کردند و خواهر مکرمه مظلومه ایشان را هم شهید کردند... علمای اسلام را شهید می‌کنند آن هم مثل سید محمدباقر صدر - که مغز متفکر اسلامی - بود و امید این بود که اسلام از او بهره‌برداری‌های زیاده‌تری کند و من امیدوارم کتاب‌های این مرد بزرگ مورد مطالعه مسلمین قرار گیرد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴/۱۷۷-۱۷۴).

آیت‌الله سید عبدالله شیرازی نیز از مشهد مقدس تلگرافی را ارسال داشته و طی آن کشته شدن آیت‌الله صدر را فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر خواند در بخشی از این اعلامیه آمده است:

«شیوه جباران و ستمگران همواره بر این بود که وقتی خود را در مقابل حق و رویه‌های باطل و فاسد خود محکوم دیده و تمام اعترافات و مبارزاتشان با پایه‌های اساسی اسلام برملا شده، آرزوهای نامشروع و دوام تسلط خود را جز با از بین بردن بزرگان اسلام ندیده و دست به این‌گونه جنایات بزرگ در تاریخ بشریت زده و می‌زند. آری، این‌گونه جنایات از آنان تازگی ندارد و این‌گونه شهادت‌ها و افتخارات هم در تاریخ اسلام، خاصه مکتب تشیع و روحانیت نمونه‌های فراوانی داشته است» (مراسان، ش.بازیابی: ۰۱۵۶۹۰۲۶).

آیت‌الله سید محمد شیرازی نیز به مناسبت قتل آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی و چهارصد نفر دیگر از جوانان عراقی که به‌وسیله زهر در زندان‌های عراق توسط رژیم بعث به قتل رسیده بودند، اعلامیه‌ای را صادر کرد که در بخشی از این اعلامیه آمده است:

«این رژیم تصمیم گرفته است هر کس که در جنبش‌های اسلامی با زبان و قلم و نیروهای دیگر قصد مبارزه دارد را اعدام کند و چه کسانی در این جنبش‌های اسلامی عضویت داند؟ آیا همان دلاوران برومندی نیستند که از استعمار کشورشان و مسلط شدن صهیونیسم زیر پوشش (عفلق و صدام) در عراق رنج برده‌اند و برای سرنگونی این رژیم فعالیت کرده و می‌خواهند کشورشان را از چنگال استعمار نجات بخشند؟ مردم آوارگی و فشار بر مسلمانان آزاده و شریف عراق را دیده و شنیده‌اند فشار و ستم‌هایی که تاریخ عراق از زمان نمرود تاکنون به خود ندیده است و سرانجام حزب بعث مرتکب این جنایات شد که عده‌ای از علمای اعلام و جوانان متدین را با وحشیانه‌ترین شکل شهید نمود، همان‌گونه که یزید و پسر مرجانه امام حسین را شهید کردند و حضرت زینب را به اسارت بردند» (مراسان، ش. پرونده: ۱۰۷۹۱).

به دنبال شهادت آیت‌الله صدر، در شهرهای جنوبی عراق، که شهرهای مذهبی این کشور است، حکومت نظامی اعلام شد. این حادثه نه فقط در عراق بلکه در سایر کشورهای مسلمان از جمله ایران و لبنان نیز بازتاب وسیعی داشت. تعطیلی بازار شهرهای قم، تهران، تبریز به مدت سه روز، راهپیمایی عظیم مردم جنوب لبنان، انفجار چندین مؤسسه و سازمان عراقی در بیروت گوشه‌ای از عکس‌العمل کشورهای اسلامی در برابر کشته شدن آیت‌الله صدر بود، چراکه آیت‌الله صدر در اکثر کشورهای اسلامی از نفوذ معنوی خاصی برخوردار بود و کتب و تألیفات وی راهگشای مسلمانان راستین در تحقق بخشیدن به جامعه اسلامی محسوب می‌شد (روزنامه اطلاعات، شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، ش ۱۶۱۲۶، ص ۷). حتی امروزه نیز حوزه‌های علمیه محتاج آیت‌الله صدر و هر عنصر با همت و پرتوانی هستند که راه علمی و انسان‌شناسی و جهان‌نگری او را دنبال کند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد کنگره بین‌المللی آیت‌الله عظمی شهید صدر، تهران، ۱۳۷۹/۱۱/۱).

پیامدهای کشته شدن آیت‌الله صدر

با کشته شدن آیت‌الله صدر حزب‌الدعوه پشتوانه فکری - سیاسی بزرگی از دست داد و بسیاری از رهبران و کادر اصلی حزب به ایران و دیگر کشورها مهاجرت کردند تا برای مبارزه مسلحانه با رژیم آماده شوند. اینان در قالب جنگ‌های نامنظم ضربه‌های زیادی را بر پیکر رژیم بعثی وارد آوردند (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۵۰). پیش از این تعداد بازداشت‌شدگان سال ۱۳۵۳ ش بالغ بر هشتصد

نفر ذکر شده است (یاران امام به روایت اسناد ساواک (امام موسی صدر)، ۱۳۷۹: ۲/۲۸۲). ویلی در کتاب «نهضت اسلامی شیعیان عراق» آمار اعدامیان شیعیان فعال توسط دولت بعثی در سال‌های ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ ش) و ۱۹۸۰ م (۱۳۵۹ ش) را پانصد نفر ذکر می‌کند. این آمار، آمار رسمی حزب بعث است که در گزارش عفو بین‌المللی به دو برابر می‌رسد (ویلی، ۱۳۷۳: ۹۶).

پس از کشته‌شدن آیت‌الله صدر نیروهای متشکله حزب‌الدعوه توسط وی، بدین مناسبت اقدام به سازماندهی جوخه‌هایی که مرکب از حدود هشتاد تن از جوانان مسلمان و مجاهد عراقی بود جهت عملیات نظامی - انتظامی علیه رژیم بعث نمودند تا بدین وسیله احساسات برانگیخته مردم ناشی از کشته‌شدن آیت‌الله صدر را تهییج و در جهت سرنگونی رژیم بعثی هدفدار نمایند. اما در پی آگاهی رهبران در ایران از این آمادگی فرمانی از سوی آنان صادر شد تا عملیات متوقف شود به بهانه آنکه ضمن آماده‌سازی زمینه‌ها، عملیات بزرگ‌تری را به مرحله اجرا رسانند و همان گونه که انتظار می‌رفت توقف بی‌نتیجه و طولانی عملیات سرانجام موجب دستگیری یکی از آنها و افشاء نام و موقعیت نیروهای تحت شکنجه شد. از این رو کلیه آنان بدون اقدام به کوچک‌ترین عملی دستگیر و به قتل رسیدند. همچنین مدت کوتاهی قبل از شروع جنگ تحمیلی و کشته‌شدن آیت‌الله صدر در پی کوشش‌های سید محمود هاشمی (یکی دیگر از رهبران حزب) پادگانی در اهواز از سوی جمهوری اسلامی در اختیار مبارزان عراقی قرار گرفت که تدریجاً به پایگاه و مقری برای حزب‌الدعوه و مکانی جهت جذب نیرو تبدیل شد.

استقرار نیروهای حزب در پادگان مزبور این مستمسک را نیز برای سردمداران حزب فراهم ساخته بود که بدین وسیله در اذهان عمومی اعم از مردم مسلمان عراق و مسئولین جمهوری اسلامی، حزب‌الدعوه را یک تشکیلات مبارز و جهادگر معرفی نموده و ضمن کسب مقبولیت سیاسی کمک‌های گوناگون مادی و معنوی را به سوی حزب سرازیر کند از این رو چندین پایگاه در شهرهای مرکزی کشور از جمله اسلام‌آباد، پیرانشهر و ارومیه نیز از سوی مسئولین با تبلیغات فراوان و تدارکات کافی در اختیار ایشان قرار گرفت (مراسان، ش. پرونده: ۱۴۳۶۰).

البته ناگفته نماند از طرف حزب‌الدعوه عملیاتی نظامی نیز صورت گرفت، هرچند که اکثر آنها نافرجام بودند؛ به‌عنوان مثال در اوت ۱۹۷۹ (مرداد ۱۳۵۸) غازی التحریری یکی از اعضای مجاهد حزب سعی کرد با پنهان نمودن مواد منفجره در زیر لباسش صدام حسین را در بیمارستان کرامه بغداد ترور کند که خنثی شد. در ۶ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ش) سمیر نور علی (یکی از کشته‌شدگان

حزب‌الدعوه) سفارت عراق در روم را مورد حمله قرار داد. در همان روز هوانوردهای عراقی به رهبری یکی از اعضای حزب به نام غالب ابراهیم طاهر، مهندس پرواز سعی کرد با بمباران یک پایگاه نیروی هوایی هنگام بازدید صدام حسین، وی را ترور کند. در اوایل ۱۹۸۰ م (۱۳۵۹ ش) حزب‌الدعوه اعلام کرد که ۶۶ نفر از اعضا و هوادارانش اعدام شده‌اند. گروه مظفر در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ش) به مقامات عراقی در یک نمایشگاه عکس حمله کرد. در همان ماه در دجیل (واقع در چهل مایلی شمال شرق بغداد) که محل اجرای پروژه‌ای برای ایجاد مجتمع زراعتی بود، مجاهدان حزب‌الدعوه حمله مسلحانه بزرگی را علیه صدام حسین و محافظان شخصی او انجام دادند که نافرجام ماند و حدود صد و پنجاه نفر در جریان این درگیری و عملیات کشته شدند (یوسفی اشکوری، ۱۳۸۴: ۲۵۷/۶).

در ۲۲ آوریل ۱۹۸۰ (۱۳۵۹ ش) گروه ابوعارف موفق شد رهبر عملیات گارد ملی استان ناصریه عراق را به قتل برساند. همچنین مجاهدین عراقی در حمله به مرکز گارد ملی خان‌النص ۵۷ مسلسل کلاشینکف به دست آوردند. طبق این گزارش، همچنین شرکت نفت آمریکایی القرنه توسط مجاهدین عراقی منفجر شد و در اول ماه همین سال در پی مین‌گذاری لوله‌های گاز استان بصره توسط مجاهدین، لوله‌ها منفجر و منطقه به آتش کشیده شد و در پی آن گارد ملی منطقه به حالت آماده‌باش کامل درآمد. بر اساس این گزارش‌ها، رهبری گروه مین‌گذار برعهده سید - فالح بود، که بعداً در یک درگیری با عناصر گارد ملی به شهرستان القرنه کشته شد و خانواده‌اش دستگیر شدند. در یک عملیات دیگر و به دنبال حمله سید راضی هاشم به خانه مسئول حزب بعث منطقه بنی‌منصور در استان بصره دوتن از محافظین وی کشته و خانه او به آتش کشیده شد و در پی مین‌گذاری جایگاه شرکت نفت آمریکایی در این منطقه از سوی همین گروه این جایگاه منفجر و آسیب فراوانی به شرکت آمریکایی وارد آمد (روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹، ش ۱۶۱۴۵، ص ۲).

در نوامبر ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ ش) سازمان عفو بین‌المللی گزارش داد شصت نفر زندانی عراقی از جمله تعدادی از اعضای حزب‌الدعوه اعدام شده‌اند. روی‌هم‌رفته حدود هزار نفر از اعدامی‌های حزب‌الدعوه در منابع غربی گزارش شده است و خود صدام حسین اعدام پانصد تن از آنان را تصدیق کرد (یوسفی اشکوری، ۱۳۸۴: ۲۵۷/۶).

ویژگی‌های حزب الدعوه پس از آیت‌الله صدر

پس از کشته‌شدن آیت‌الله صدر و تبعید اجباری بسیاری از اعضای حزب الدعوه به ایران، حزب خط فکری ایران را دنبال می‌کرد. در ۱۹۸۱ م (۱۳۶۰ ش) این حزب نیازمند بود که رهبر و مسئول اداره آن یک فقیه باشد... و اصلاً شخص غیرفقیه در این جایگاه پذیرفته نبود زیرا اکثریت ملت به او رأی می‌دادند (شاناهان، ۱۳۸۶: ۲۷۱). لذا در ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ ش) یک مجلس فقهی رسمی تأسیس شد (شاناهان، ۱۳۸۶: ۲۶۴). حزب الدعوه در زمان حیات آیت‌الله صدر به ولایت فقیه معتقد بود و همیشه فقهی اعلم و جامع‌الشرایط را به‌عنوان فقیه حزب برمی‌گزید و در آغاز تأسیس حزب مزبور، خود آیت‌الله صدر به‌عنوان فقیه حزب به شمار می‌آمد و پس از کشته‌شدن او سید کاظم حائری به‌عنوان فقیه حزب مطرح شد (ناظمیان، ۱۳۷۹: ۵۱). اما این وضعیت ادامه نیافت زیرا زمانی رسید که حزب به این نتیجه دست یافت که نمی‌تواند دیگر مترصد تصمیمات مرجع باشد بلکه باید آن را حذف کرده و شورای حزب یا دفتر سیاسی آن تصمیم‌گیرنده امور باشد. در این باره آیت‌الله حائری کتابی با عنوان «قرار الحذف» نوشت که دنبال حذف مرجعیت و طبعاً خود او از حزب بود. به دنبال آن محمدحسین فضل‌الله^۱ که تا پیش از آن عضو حزب الدعوه بود و در این زمان یک رهبر مذهبی بزرگ در لبنان شده بود، مطرح گردید که زمینه‌ساز تحولات عمده‌ای شد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۵).

نتیجه‌گیری

وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب خیزش نهضت شیعیان عراق شد، به طوری که روابط دوجانبه را وارد مرحله جدیدی کرد چرا که در طی آن گروه‌های معارض اسلامی عراق با الهام گرفتن از

۱. علامه سید محمد حسین فضل‌الله در سال ۱۳۵۴ هـ ق در نجف متولد و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خوئی و سید محمد باقر صدر بنیانگذار حزب الدعوه، نخستین جنبش اسلام‌گرای شیعه در عراق بهره گرفت. سید محمد حسین فضل‌الله که در تأسیس حزب الدعوه شرکت داشت پس از بازگشت به لبنان اشاعه اندیشه این حزب را ادامه داد. او در ۱۹۶۶ م به لبنان بازگشت و حوزه علمیه‌ای به نام «المعهد الشرعی الاسلامی» و سپس مدرسه‌ای به نام «مدرسه القرآن الکریم» بنیاد نهاد. مبارزات سیاسی در لبنان بخش دیگری از فعالیت‌های علامه فضل‌الله را تشکیل می‌دهد. وی از معدود افرادی است که «جهاد» و «اجتهاد» را در هم آمیخته و تنها به تحقیق بسنده نکرده و برای تحقق آرمان‌های اسلامی نیز تلاش می‌کند («مصاحبه با سید محمد حسین فضل‌الله»، ش ۷، خرداد و تیر ۱۳۷۰: ۷۸).

استراتژی «صدر انقلاب» رژیم دیکتاتوری عراق را با خطر مواجه کردند. از این رو، رژیم بلافاصله شروع به اخراج ایرانیان از عراق کرد و برخورد خصمانه‌ای نیز بر شیعیان عراق ابراز داشت.

علاوه بر این، می‌دانیم که تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان در قرن بیستم امری پوشیده و پنهان نیست و به طور طبیعی این تأثیر در کشورهای شیعه‌نشین بیشتر از دیگر مناطق بوده است. یکی از این کشورها عراق بود که جدای از سابقه و پیشینه فرهنگ شیعی، بخش قابل توجهی از ساکنان آن شیعه بوده و گروه‌های اسلامی شیعه در آن فعال هستند. در واقع انقلاب اسلامی از جهت تقویت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شیعیان آن منطقه نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا کرده است.

حمایت آیت‌الله سید محمدباقر صدر رهبر حزب الدعوة از امام خمینی و اعلام راهپیمایی و قیام در مناطق الثوره، کاظمین، بغداد، دیاله و سایر بخش‌های جنوبی عراق و تکرار آن به درگیری و زدوخورد های خونین منجر شد که در نتیجه، تعداد زیادی از مسلمانان شیعه دستگیر و هزاران نفر دیگر از عراقیان ایرانی تبار شیعه از آنجا اخراج شدند. این حوادث موجی از ترس و وحشت را در رژیم حاکم بر عراق نمایان ساخت. اعلام حمایت مطلق از انقلاب اسلامی ایران توسط آیت‌الله صدر و خواهرش، رژیم عراق را واداشت تا او و خواهرش را به خاطر طرح‌ریزی برای تشکیل یک حکومت شیعه در عراق به خیانت متهم کنند. لذا آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی که رهبری زنان را در راهپیمایی‌ها به عهده داشت به بغداد منتقل و در آوریل ۱۹۸۰ (فروردین ۱۳۵۹) اعدام کردند.

طی ماه‌های بعد از این حوادث، علاوه بر دستگیری تعداد زیادی از مخالفین شیعه، ده‌ها هزار نفر از شهروندان ایرانی و عراقی با وضعیت بسیار دشواری به ایران اخراج شدند. بدین ترتیب سرکوب شدید شیعیان و اقدامات خشونت‌بار حزب بعث در مورد آنان از زمان به قدرت رسیدن تا زمان سقوط در مقاطع مختلف ادامه یافت و این امر نقش مهمی در شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض شیعی علیه حزب بعث داشت که نظام اسلامی را به مثابه قبله آمال و ام‌القرای جهان اسلام تلقی کردند.

کتابنامه

الف) اسناد

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش.بازیابی: ۰۱۵۶۹۰۲۶؛ ۰۰۹۵۸۰۲۳؛
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش.پرونده: ۱۴۳۵۹، ۱۰۷۹۱، ۱۴۳۶۰، ۱۵۶.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (معاونت اطلاع‌رسانی واحد آرشیو)، (اسناد کنگره بین‌المللی آیت‌الله عظمای شهید صدر)، تهران، ۱۳۷۹/۱۱/۱.
- روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.
- یاران امام به روایت اسناد ساواک (امام موسی صدر)، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹.

ب) کتاب

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و کامران طارمی، نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- ابوزید العاملی، محمد عبدالله، محمدباقر الصدر (السیره و المسیره فی حقائق و وثائق)، بیروت: مؤسسه العارف المطبوعات، ۱۴۲۹ ق/ ۲۰۰۸ م، الط-الثالثه.
- ادیب، عادل، موسوی، حسین، حزب الدعوة اسلامی عراق (پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی)، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳.
- پارسادوست، منوچهر، نقش عراق در شروع جنگ، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹.
- تاریخ سیاسی عراق (شورای نویسندگان)، بی‌جا: انتشارات نهضت جهان اسلام، بی‌تا.
- تراب زمزمی، عبدالمجید، جنگ ایران و عراق، ترجمه مژگان نژند، بی‌جا: نشر سفیر، ۱۳۶۸.
- جعفریان، رسول، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.
- خاتم یزدی، عباس، خاطرات آیت‌الله عباس خاتم یزدی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- الخرسان، صلاح الدین، حزب الدعوة الاسلامیه (حقائق و وثائق فصول من تجربه الحركه الاسلامیه فی العراق)، دمشق: المؤسسة العربیه الدراسات البحوث الاستراتيجیه، ۱۴۱۹ ق

خمینی، روح‌الله، صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، مجلدات ۷-۱۲-۱۴، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

دکمچیان، هرایر، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷

شاناهان، راجر، «توسعه سیاسی شیعه در عراق: حزب اسلامی الدعوه»، ترجمه‌ی سید ناصر میری، سامان سیاسی در عراق جدید، به کوشش امیرمحمد حاجی‌یوسفی و احمد سلطانی‌نژاد، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

فلاحی، اکبر، سال‌های تبعید امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
قادری، حاتم، پراکسیس (تعاطی اندیشه سیاسی و فعل سیاسی در خاورمیانه)، تهران، مرکز پژوهش علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۶.

قلی‌زاده، مصطفی، شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲.
کریمی زنجانی، محمد، «صدر»، دایره‌المعارف تشیع، زیر نظر کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، ج ۱۰، تهران: انتشارات شهید سعید محبی، ۱۳۸۴.

محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
میلر، جودیت، میل روا، لوری، از تکریت تا کویت، ترجمه حسن تقی‌زاده میلانی، تهران: کویر، ۱۳۷۰.

ناظمیان، رضا، تاریخ معاصر عراق، تهران: مؤسسه فرهنگی کتاب و عترت، ۱۳۷۹.
ویلی، جوئیس. ان، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.
یوسفی اشکوری، حسین، «حزب الدعوه الاسلامیه»، دایره‌المعارف تشیع، زیر نظر کامران فانی، بهاءالدین خرمشاهی، احمد صدر حاج‌سیدجوادی، ج ۶، تهران: انتشارات شهید سعید محبی، ۱۳۸۴.

ج) مجلات

ایزدپناه، عبدالرضا، «تندیس مرزبانی»، مجله حوزه، س ۱۴، ش ۷۹-۸۰، ۱۳۷۶.

۱۲۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

غلامی قمی، مصطفی، «نقش شیعیان و رهبران مذهبی در تحولات سیاسی - اجتماعی سده اخیر»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۸۶.

مزینانی، محمد صادق، «شهید صدر، منادی وحدت»، مجله حوزه، س ۱۴، ش ۷۹-۸۰، ۱۳۷۶.
«مصاحبه با سید محمدحسین فضل‌الله»، مصاحبه‌کننده: محمدجواد اعظمی، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری (آئینه پژوهش)، ش ۷، ۱۳۷۷.

«مصاحبه با کاظم حائری»، مجله حوزه، س ۱۴، ش ۷۹-۸۰، ۱۳۷۶.

(د) روزنامه

- روزنامه اطلاعات، شنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۹، ش ۱۶۱۲۶، ص ۷.
روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹، ش ۱۶۱۴۵، ص ۲.
روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۶۵، ص ۲.
روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۰، ص ۳.
روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۷۸، ص ۱.
روزنامه اطلاعات، شنبه ۲ تیر ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۸۶، ص ۲.
روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۶۸، سال دهم، ش ۲۸۵۸، ص ۷.
روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۱۹، ص ۱.
روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۰، ص ۲.
روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۱، ص ۳.
روزنامه کیهان، پنج‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۲، ص ۸.
روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۵۸۸۳، ص ۴.
روزنامه کیهان، پنج‌شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۸، ش ۱۰۷۳۸، ص ۲.